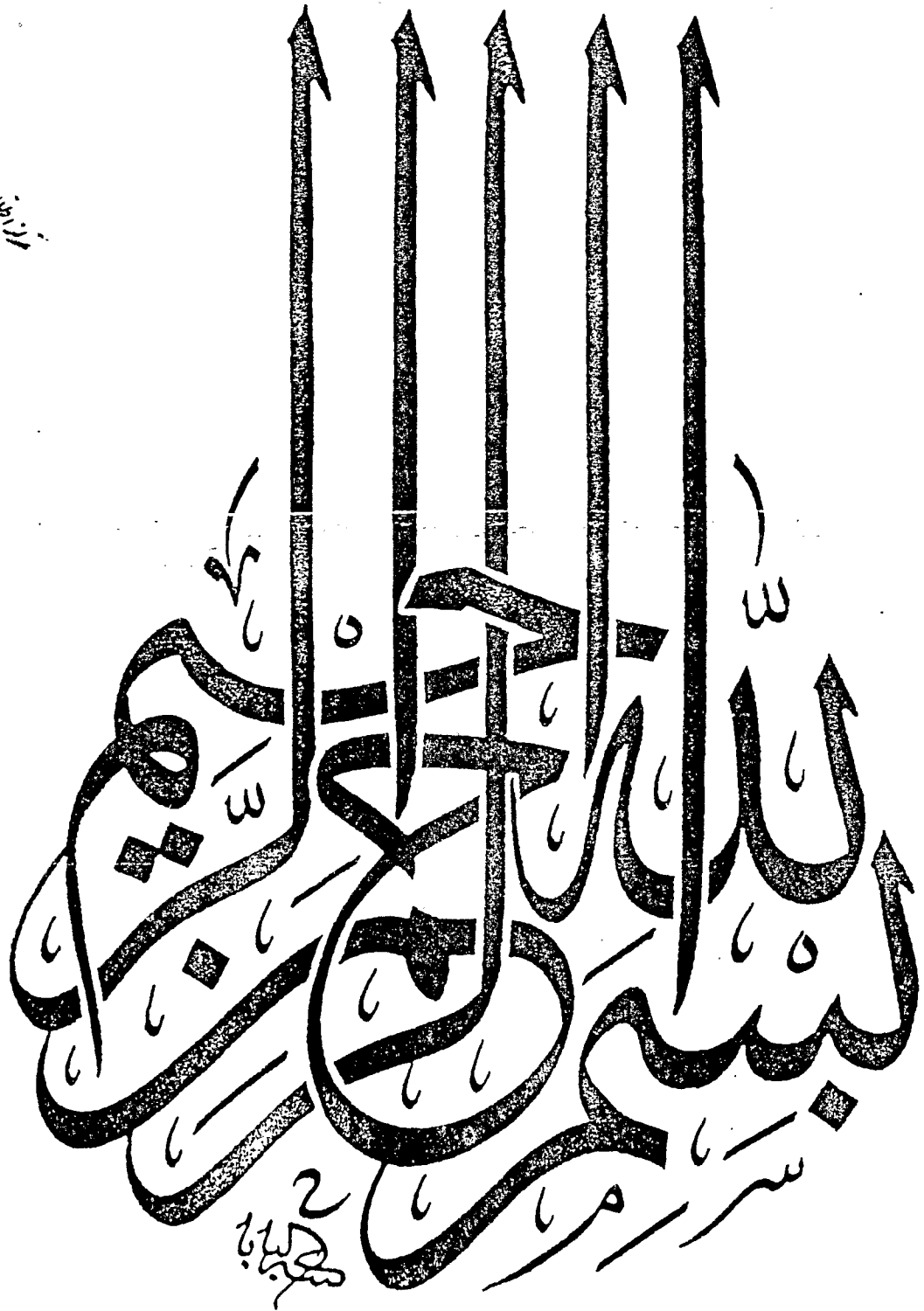


مؤلف: اطلاعات تمدن ایران علی بن
توسیع اسلام



کتابخانه

۱۳۸۲ / ۲ / ۳۰

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
تیم مدیریت

دانشگاه تربیت معلم تهران
دانشکده علوم تربیتی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته فلسفه تعلیم و تربیت

موضوع:

تربیت دینی از دیدگاه کانت و مطهری

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر علی شریعتمداری

استاد مشاور:

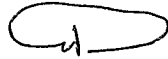
آیت الله دکتر سید مصطفی محقق داماد

پژوهشگر:

ناصر محمدی احمدآبادی

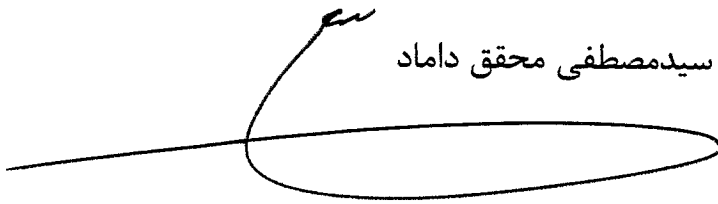
به نام خدا

گزارش پایان نامه کارشناسی ارشد آقای ناصر محمدی احمدآبادی در رشته فلسفه تعلیم و تربیت تحت عنوان « تربیت دینی از دیدگاه کانت و مطهری » در جلسه دفاعیه یکشنبه مورخ ۱۳۸۱/۹/۲۴ با حضور اساتید راهنما، مشاور و داور داخلی و خارجی مطرح گردید و با درجه بسیار خوب و نمره هفده و نیم مورد تأیید و پذیرش قرار گرفت.



استاد راهنما: جناب آقای دکتر علی شریعتمداری

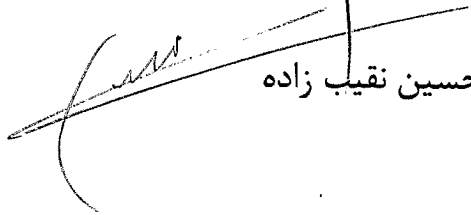
استاد مشاور: جناب آقای دکتر سیدمصطفی محقق داماد



داور داخلی: جناب آقای دکتر سید کاظم اکرمی



داور خارجی: جناب آقای دکتر میرعبدالحسین نقیب زاده



مدیر گروه بنیاد های آموزش و پرورش و نماینده شورای تحصیلات تکمیلی:

جناب آقای دکتر رضا محمودی



تقدیم به پدر و مادرم
که چگونه زیستن را به من آموختند

و

همه انسانهایی که به خاطر شنیدن حقیقت،
اگر چه به ضررشان باشد حقوق مظلومان را
پایمال نمی کنند.

تشکر و قدردانی

از استاد راهنمای محترم جناب آقای دکتر علی شریعتمداری به خاطر راهنماییهای ارزنده شان و استاد مشاور عزیزم جناب آقای دکتر سید مصطفی محقق داماد که از دریای بیکران اندیشه شان بهره مند گشتم کمال تشکر و قدردانی را دارم. همچنین از کلیه دوستان و عزیزانی که بنده را در انجام این رساله یاری فرمودند صمیمانه متشکرم.

چکیده

تربیت دینی در کشور ما، بعنوان یک کشور اسلامی، دارای جایگاه و اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. اما علیرغم اهمیت آن، متأسفانه کمتر به آن پرداخته شده و تحقیقات و شواهد نشان دهنده سست شدن روز به روز ارزش‌ها و اعتقادات در بین جوانان و نوجوانان می‌باشد ضعف تربیت دینی در کشور ما بیش از آنکه نتیجه ماهیت پیچیده و دشوار دین و تربیت دینی باشد، ناشی از عدم پژوهش و فهم دقیق و صحیح از دین، اصول و روشهای تربیت دینی می‌باشد. بررسی تطبیقی آراء و افکار فیلسوفان و متفکران می‌تواند ما را در این زمینه یاری دهد. لذا سعی شده است در این تحقیق به بررسی تطبیقی آراء و افکار شهید مطهری و کانت بعنوان دو متفکر و فیلسوف در زمینه تربیت دینی پرداخته بشود. این تحقیق مشتمل بر ۶ فصل می‌باشد که در فصل اول به طرح تحقیق پرداخته شده است. فصل دوم انسان‌شناسی از دیدگاه کانت و مطهری، فصل سوم دین‌انزید مطهری و کانت و همچنین جایگاه عقل در دین‌شناسی کانت و مطهری مورد بحث قرار گرفته است. در فصل چهارم خداشناسی از دیدگاه کانت و مطهری و در فصل پنجم تربیت به طور کلی از دید دو متفکر بزرگ مورد بررسی قرار گرفته است و بالاخره در فصل ششم به توجه به کلیات و مبانی که در فصل‌های قبل مطرح شد به استخراج و استنباط اصول و روشهای تربیت دینی از دید هر دو فیلسوف پرداخته

شده است

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده تحقیق
۱	پیشگفتار
۵	زندگی و آثار کانت
۹	زندگی و آثار مطهری
□ فصل اول: طرح تحقیق	
۱۲	- تعریف و بیان موضوع تحقیق
۱۳	- سؤالات اصلی تحقیق
۱۳	- اهداف تحقیق
۱۴	- روش تحقیق
۱۴	- سابقه تحقیق
۱۶	- محدودیتهای تحقیق
□ فصل دوم: هویت انسان	
۱۸	- انسانشناسی کانت
۲۲	- انسان از دیدگاه مطهری
□ فصل سوم: دین	
۳۳	- جایگاه عقل در دین شناسی از نظر مطهری

- رابطه دین و اخلاق از دیدگاه مطهری ۳۶
- دین از دیدگاه کانت ۴۲
- رابطه اخلاق و دین از نظر کانت ۴۷
- جایگاه عقل در دین شناسی کانت ۵۲

□ فصل چهارم: خداشناسی

- خدا در نظر کانت ۵۹
- خداشناسی از نظر مطهری ۶۶

□ فصل پنجم: تربیت

- تربیت از نظر کانت ۷۳
- تربیت از دید مطهری ۸۰

□ فصل ششم: تربیت دینی

- تربیت دینی از دید کانت ۸۶
- اصول تربیت دینی ۹۶
- روشهای تربیت دینی ۱۰۳
- تربیت دینی از دید مطهری ۱۱۰
- اصول تربیت دینی ۱۱۵
- روشهای تربیت دینی ۱۲۱
- نتیجه گیری ۱۲۶

۱۲۹ - پیشنهادات

۱۳۱ - منابع و مأخذ

هر وقت و هر زمان که پیشوایان مذهبی مردم - که مردم در هر حال آنها را نماینده واقعی مذهب تصور می کنند - پوست پلنگ می پوشند و دندان بپر نشان می دهند و متوسل به تکفیر و تفسیق می شوند، مخصوصاً هنگامی که اغراض خصوصی به این صورت در می آیند، بزرگترین ضربت بر پیکر دین و مذهب به سود مادیگری وارد می شود.

«مطهری، علل گرایش به مادیگری، ص ۷۲»

پیشگفتار:

بشر کنونی در قرن بیست و یکم دچار بحرانهای متفاوتی بوده است. بحران بی هویتی، بحران ارزشها، بحران در انتخاب هدف، بحران در معرفت دینی و از همه این بحرانها مصیبت بارتر بحران در تربیت دینی در قالب حس مذهبی و نیاز به خداجویی اوست. کشور ما نیز از این امر مستثنی نیست. بویژه اینکه، نام اسلامی و دینی بودن را نیز به یدک می کشد و سعی بر آن است که تربیت دانش آموزان ماهیتی دینی داشته باشند. اما آیا نظام تربیتی و علی الخصوص نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران توانسته است این هدف را تحقق بخشد. آیا دینی کردن دانش آموزان به دینی شدن آنها انجامیده است، یا برعکس این تبلیغات صوری و اجباری مانع گرایشهای درونی افراد نسبت به ارزشهای دینی شده است؟ آیا دانش دینی همان تربیت دینی است؟ و همینکه اطلاعات دینی افراد را افزایش دهیم آنها را دیندار بار آورده ایم. این سؤالاها و صدها سؤال دیگر دل مشغولی علماء و دردمندان دینداری است که دین را تنها شعائر و ظواهر نمی دانند اما آنچه مشخص است این

است که با وجود برخی موفقیت‌ها، تربیت دینی در کشور ما با دشواری‌ها و بن‌بست‌های اساسی روبرو است. این ناکامی‌ها همه ناشی از طبیعت تدریجی و پیچیده تربیت دینی نیست، بلکه بسیاری از آنها از سوء فهم و عمل نسبت به دین و تربیت دینی بوده است. متأسفانه در جامعه ما همه افراد خود را متخصص در مسائل تربیتی و بویژه مسائل دینی دانسته و با اظهار نظرها و برداشت‌های سطحی خود از دین، بزرگترین ضربه را بر پیکره دین وارد کرده‌اند. گروهی از افراد آگاهانه و تنها به خاطر حفظ منافع شخصی خود و یا ارائه یک نظریه جدید برای مطرح کردن خود و گروهی از افراد آگاهانه و به دلیل افکار متعصبانه و متحجرانه‌ای که دارند نظریه‌ها و تفسیرهایی از دین ارائه می‌دهند که نتیجه آن روی گرداندن و بدبین شدن مردم نسبت به ارزشها و اعتقادات دینی است. آنچه از شواهد و تحقیقات بر می‌آید این است که عامل اصلی کم‌اعتقادی گروهی از نوجوانان و جوانان به دین و ارزشهای دینی عملکردها و قضاوت‌های نادرست متولیان مذهب رسمی و برخی نگرشها و دستورات عملیاتی است که به اصل باورهای دینی لطمه می‌زند.

چنین مشغله‌های ذهنی نگارنده را بر آن داشت تا به بررسی اندیشه‌ها و نظرات دو نفر از فیلسوفان و اندیشمندان (کانت و مطهری) که درباره مسائل تربیتی و دین نظریات ارزنده‌ای دارند بپردازد. کانت را بزرگترین فیلسوف اروپایی پس از ارسطو دانسته‌اند در حقیقت می‌توان فلسفه او را مبدأ تاریخ تفکر جدید دانست. از اواخر قرن هیجدهم به بعد در زمینه فلسفه کمتر فیلسوفی است که آراء او بطور

مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از فلسفه کانت نبوده باشد. کانت محصول عصر روشنگری و مبلغ آن است. شوپنهاور کتاب «نقد عقل محض» را مهمترین اثر زبان آلمانی می داند و همه را طفل می داند تا آنگاه که کانت را بفهمند.^۱ کانت رسالت خود را در فلسفه، اصولاً دفاع از علم و اخلاق و عقلی بودن دین می دید. فلسفه تربیتی کانت از دو جهت حائز اهمیت است یکی از لحاظ معرفت شناسی و دیگری از حیث ارزش شناسی و فلسفه اخلاق او. نظریات کانت در زمینه کسب معرفت ذاتی از تصور او از عقل نظری است و تربیت اخلاقی او از عقل عملی یا فلسفه اخلاق او نشأت گرفته است. کانت در نویسندگی به دشواری و غموض مشهور است اما در عین حال این شهرت او را باید در دو وصف دانست:

یکی: دید فوق العاده نافذ اوست. کانت قادر به دیدن اشکالات عقلی و فکری در چیزهایی است که تا پیش از او نزد دیگران مسلم و بدیهی و غیرقابل اعتنا دانسته می شده است. و صفت دیگر قدرت استثنایی اوست برای اینکه متوجه بشود استدلالهایش مجموعاً چگونه با هم جا می افتند و آنچه اکنون مثلاً درباره فلان موضوع می گوید، ممکن است در آنچه قبلاً در جای دیگر یا به مناسبت دیگر می گفته چه بازتابی داشته باشد از این جهت او بسیار مراقب خودش است و در پیشینه و تخصصی که دارد بسیار دقیق می باشد. و خرده کاری و سرهم بندی ابدأ در شیوه کارش راه ندارد.^۲ مرحوم شهید مطهری نیز بدون شک از عالمان و روحانیون و از

۱- ویل دورانت، تاریخ فلسفه، ص ۲۴۱

۲- مگی، فلاسفه بزرگ/ آشنایی با فلسفه غرب، ص ۳۰۱

معارف حوزه های علمی در دوران معاصر کشورمان بشمار می رود و او را باید از جمله بزرگترین احیاگران اندیشه دینی شمرد. وی اگر چه برخاسته از درون حوزه های علمی است اما به هیچ عنوان در قالبهای مرسوم سنتی حوزه نمی گنجد و سنت رایج در حوزه که همگان را به فقه آموزی صرف فرامی خواند را بر نمی تابد و در روزگاری که در حوزه های علمی فلسفه خواندن با طعن و لعن و تکفیر همراه است وی پرچم خردورزی و ترویج فلسفه را برمی افرازد و به سنت رایج در حوزه پشت پا زده و به جمع قلیل شاگردان فیلسوف نامدار معاصر علامه طباطبایی می پیوندد که از این مسیر بهره فراوانی می گیرد و شخصیت عالی او نیز در همین طریق تکوین می یابد. ایشان در تمام عمر شریف خود سعی نمود تا با زدودن خرافات و پالایش ناخالصیهای دین، معارف دینی را آن طور که هست عرضه نمایند و الحق که در این راه گامی بس بلند برداشتند. آشنایی با نظام فکری ایشان برای پیشبرد اندیشه دینی و بویژه تربیت دینی در عصر حاضر از ضروریات است. لذا پژوهش حاضر می کوشد تا با ارائه گزارشی تفصیلی از دیدگاههای هر یک از اندیشمندان در موضوعاتی که پایه و اساس تربیت دینی را تشکیل می دهند، بنیانهای اصیل اندیشه آنها را بازشناسد و چهره اصلی نظام فکری هر اندیشمندی را در زمینه تربیت دینی شناسایی کنند. با تأمین چنین مقدمه ای پژوهشگر از پیشداوریهای ناشی از طبقه بندیهای پیش ساخته مصون می ماند و می تواند عناصر مؤثر در نظام فکری هر متفکر را از یکدیگر باز شناسد و قضاوت در مورد صحت و سقم اندیشه های آنها

را به صاحب‌نظران و خوانندگان محترم وا می‌گذارد. به امید آنکه نوشتار حاضر بتواند در توسعه و تقویت بنیه علمی کشور تأثیر بسزائی داشته باشد.

شرح مختصر زندگینامه کانت و معرفی آثار علمی او

ایمانوئل کانت به سال ۱۷۲۴ در شهر کونیگسبرگ^۱ از شهرهای پروس شرقی آلمان به دنیا آمد و در سال ۱۸۰۴ در همانجا درگذشت و تمام مدت عمر هشتاد ساله اش را در زادگاهش گذراند. خانواده کانت معتقد به دین مسیحی پروتستان و فرقه پنتیست^۲ بوده‌اند و در نتیجه کانت در جو اخلاقی خاص این فرقه پرورش یافته است. کانت در هشت سالگی به مدرسه فردریک رفت و به مدت ۸ سال در آنجا تحصیل نمود، سپس وارد دانشگاه کونیگسبرگ شد و به تحصیل فلسفه و ریاضیات پرداخت. البته الهیات و فیزیک هم می‌خوانده است. پس از تحصیلات دانشگاهی همانند بسیاری از فلاسفه چند سال تدریس خصوصی می‌کرد تا اینکه در سال ۱۷۷۰ به مقام استادی منطق و ما بعدالطبیعه در دانشگاه منصوب شد.

بطور کلی نوشته‌های او را به دو بخش می‌توان تقسیم کرد: بخش ماقبل نقدی، شامل آثاری که کانت از اوایل جوانی تا پیش از انتشار رساله استادی خویش در سال ۱۷۷۰ نوشته است و بخش نقدی که حدوداً از سال ۱۷۷۰ م آغاز شده و با انتشار بزرگترین اثر او یعنی نقد عقل محض در سال ۱۷۸۱ به بار می‌نشیند. آنچه ما

۱- Königsberg

۲- Pietisme - به معنی پارسا مذهبانی یکی از فرقه‌های مذهب پروتستان است که در نیمه دوم قرن هفدهم میلادی برای مقابله با کلیسای قشری رسمی پروتستان به وجود آمده است. در این فرقه اولویت به (Piete) (تقوی و پاکی نیت) داده می‌شود و عاطفه ترویج می‌گردد. حیات اخلاقی بر حسب نظر پیروان این فرقه صرفاً جنبه فردی و شخصی دارد.

امروز به نام فلسفه کانت می شناسیم همان فلسفه نقدی اوست که در نقد «عقل محض» و «نقد عقل» و «نقد قوه حکم» و دیگر آثار وی تا هنگام مرگ در سال ۱۸۰۴ بیان شده است. به عقیده بسیاری از مورخان، اگر او در سن قبل از پنجاه و هفت سالگی فوت می کرد یقیناً مانند بسیاری از فیلسوفان آن عصر جز چند سطر در تاریخ فلسفه نشان دیگری از او باقی نمی ماند. نوشته های دوره ماقبل نقدی کانت:

- ۱- اندیشه هایی درباره ارزیابی صحیح نیروهای زنده (۱۷۴۶)
- ۲- مطالعاتی درباره گردش زمین (۱۷۵۴)
- ۳- «تاریخ طبیعی عمومی و نظریه درباره آسمان بر بنیاد اصلهای نیوتن» که به فردریک بزرگ تقدیم کرده است (۱۷۵۵)
- ۴- «درباره آتش» که به زبان لاتین نوشته و با آن درجه دکتری گرفته است. (۱۷۵۵)
- ۵- «روشنگری نو درباره نخستین اصل های شناسایی متافیزیکی» (۱۷۵۵)
- ۶- «موناولوژی فیزیکی» (۱۷۵۶)
- ۷- «درباره زمین لرزه» که به مناسبت زمین لرزه لیسبن نوشته است. (۱۷۵۶)
- ۸- درباره بادها. (۱۷۵۶)
- ۹- طرح درسهای جغرافیای فیزیکی. (۱۷۵۷)
- ۱۰- نظریه تازه درباره حرکت و سکون (۱۷۵۸)
- ۱۱- درباره تنها برهان ممکن برای اثبات وجود خدا (۱۷۶۳)